

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران** • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان لافتمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۲۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ • ۸ دی الحجه ۱۴۴۴ • ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۸۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۰۴ • طلوع آفتاب ۴:۵۱

شترق

دیالوگ روز

عکس یک‌ساعته - مارک رومانیک - ۲۰۰۲

سیمور بریش (رایبن ویلیامز): بعضیا فکر می‌کنن اینم به شغل ساده فروشندهگی.

اونا فکر می‌کنن که شرکت توی هر سمینار احقانه‌ای می‌تونه به آدم بده که در کمتر از ۳۰ دقیقه استاد چاپ عکسای زیبا بشه. اما مسلما مثل خیلی چیزهای دیگه، خیلی بیشتر از اون‌ی که به نظر میاد زحمت داره.

سندرم سلطه بر صنعت سرگرمی



قادر باستانی

مدرس علوم ارتباطات و رسانه

مصوبه تاسف‌آور سلطه صداوسیما بر شبکه نمایش خانگی، آه از نهاد هنرمندان برآورد. مردم، تازه طعم شیرین صنعت سرگرمی داخلی را با سریال‌ها و برنامه‌های جذاب پلتفرم‌هایی مثل فیلیمو، نماوا و فیلم‌نت، چشیده بودند و اکنون در هراس‌اند که با اعمال استانداردهای مد‌رآوردی رسانه ملی، آنها هم مثل برنامه‌های ساعت‌پُرکن شبکه‌های تلویزیونی، به جای سرگرمی و تفریح‌گخا شود که پس‌القای منویات جناحی صداوسیما شوند تا بتوانند مجوز ساترا برای پخش بگیرند.

سال‌هاست که صداوسیما در مسیر دلخواه خود پیش می‌رود و با تفوق نگاه ایدئولوژیک، به‌تدریج مخاطبان خود را به سمت رسانه‌های ماهواره‌ای سوق داده و هم مرجعیت خبری را به خارج از کشور، منتقل کرده است. هنوز گردندگان صداوسیما، بی‌توجه به هشدارهای مستمر کارشناسان، بر ادامه همان مسیر اصرار دارند و از دست رفتن اعتماد مخاطبان، کوچک‌ترین تغییری در اصلاح روندشان، ایجاد نکرده بلکه مصمم‌تر از گذشته پیش می‌تازند.

کسانی که درخواست صداوسیما برای تسلط بر رقبا را برایش فراهم کردند، شاید نمی‌دانند که مصرف رسانه‌ای نسل جدید، در جهت بی‌اعتمادی و اجتناب از رسانه

خارجی خوانی

تیم ۳۰ نفره نجات

این روزها هنوز خبر کشته‌شدن پنج فرد ثروتمند که برای دیدن باقی‌مانده کشتی تایتانیک رفته بودند، در صدر اخبار است و البته رسانه‌ها به دلیل بی‌توجهی به غرق‌شدن کشتی مهاجران با ۷۰۰ نفر نیز مورد شماتت قرار گرفتند. هرچند کودتا در روسیه به مدت ۲۴ ساعت توانست باعث سقوط این خبر به پله دوم شود. در این میان، ماجرای کم‌شدن کودکان نجات‌یافته از سقوط یک هواپیما هنوز مرکز توجه است، به‌خصوص که تیمی ۱۳۰نفره برای نجات آنها تلاش کرده بود. هفت مسافر هواپیمای سنسا ۲۰۶ پس از سقوط در جنگل‌های کاکوتا در کلمبیا کشته شدند که در این میان مادر سه کودک نیز وجود داشت. آنها از بومیان «نویوتوتو» بودند که از حمله گروه‌های مسلح کلمبیایی منطقه محل زندگی‌شان فرار می‌کردند. پس از آن جست‌وجوگران ۴۰ روز به دنبال این کودکان که ۱۳ تا یک‌ساله بودند، گشتند. پیداشدن آنها از سوی رئیس‌جمهور کشور کلمبیا به‌عنوان یک «شادی همگانی» نامیده شد. سی‌ان‌ان در گفت‌وگویی با پدر این کودکان و چند امدادگر کلمبیایی، سعی کرده گزارشی از چگونگی زنده‌ماندن آنها ارائه دهد. این کودکان با میوه‌ها، دانه‌ها و آب توانستند در جنگل‌های آمازون زنده بمانند. امدادگران در هنگام نجات متوجه چیزی در بین دندان‌های «لرلی» بزرگ‌ترین کودک جمع شدند. البس مونوز، یکی از چهار نگهبان بومی که اولین تماس را با بچه‌ها برقرار کرد، گفت: «ما متوجه شدیم چند دانه بین گونیه‌ها و اسخوآن فکش قرار دارد. دانه‌های یک درخت خرمای بومی آمازون که سرشار از چربی است و قبایل آمازون از آن برای تهیه روغن گیاهی استفاده می‌کنند. اما دانه‌هایی که لرلی در دهانش داشت هنوز نارس بودند. او آنها را نگه می‌داشت تا گرمای دهانش دانه‌ها را باز کند و بتواند پالپ آن را به خواهر و برادرهای کوچک‌ترش بدهد.»

درواقع «این‌طوری آنها زنده ماندند.»

از زمانی که کودکان به خانه آورده شدند، خبرنگاران و کارشناسان در تلاش بودند به این سؤال پاسخ دهند که چگونه این‌کودکان که کوچک‌ترین آنها فقط یک نوزاد بود، توانستند برای مدت طولانی در قلب جنگل‌های آمازون زنده بمانند؟ تیمی متشکل از ۱۳۰ کماندوی نیروی ویژه و حدود ۶۰ نفر از ماهرترین راهنمایان بومی کشور برای یافتن آنها تلاش کردند. آنان در جنگلی ناپدید شده بودند که یکی از دورافتاده‌ترین و غیرمیهمان‌نوازترین جنگل‌های کلمبیاست؛ جایی با پوشش گیاهی فشرده که حیوانات وحشی مانند جگوار و آناکوندا و حشرات سمی فراوان هستند، باران می‌تواند بیش از ۱۵ ساعت در روز بارد و گاهی محدوده زندگی افراد به ۱۰ متر محدود می‌شود.

لرلی و خواهر و برادرش وقتی بالاخره پیدا شدند به طرز ناراحت‌کننده‌ای لاغر شده بودند. آنان بیش از یک ماه بدون بزرگسال و مراقبی توانسته بودند زنده بمانند. یکی از وظایف سنتی زنان بومی این استس که از خواهر و برادر خود به‌گونه‌ای مراقبت کنند که گویی آنها فرزندان شما هستند. یک خواهر بزرگ‌تر اساما یک مادر دوم است و به نظر می‌رسد لرلی دقیقا این‌گونه عمل کرده است. آنها با میوه‌های وحشی و سه پوند آرد کاساوا و یکی از صدها بسته



📌 **توفان با بیش از صد کیلومتر سرعت و حرکت ریزگردها چند روزی است که در منطقه سیستان آغاز شده است به حدی که اکنون شعاع دید افقی کم شده و غلظت گردوغبار را به همراه دارد. عکس:بهروزشهرگی/ایسنا**

کم‌مایه در میان جوانان شده است.

تلویزیون، نقش مرجعیت رسانه‌ای خود را از دست داده و مردم به اختیار خود رسانه‌های دیگری را جایگزین تلویزیون کرده‌اند. تلویزیون رسانه‌ای است که شخصی‌سازی مصرف را برنمی‌تابد؛ عمومی است و متعلق به همه اعضای خانواده و میدانی برای گفت‌وگوها و دغدغه‌های مشترک رسانه‌ای که افول آن کم‌روفق‌شدن همراهی و گفت‌وگو را در خانواده به دنبال داشته است. کزینشگری و مصرف انتخابی همه‌چیز برای مخاطب امروزی در سبد رسانه‌ای‌اش مهیاست و او ترجیح می‌دهد آنچه را خودش انتخاب و فراهم کرده، مصرف کند.

ناکارآمدی ارکان سیاست‌گذاری فرهنگی و به تبع آن کارکرد غیرمؤثر صداوسیما، فقط هزینه مادی و معنوی تولید کرده است. ممیزی‌های سلیقه‌ای بلایی بر سر مخاطبان آورده که جبرانش آسان نیست. روال درست و منطقی آن است که رسانه ملی پای خود را از گلسوی فرهنگ و هنر بردارد و اجازه رشد و تعالی به این بخش بدهد.

پیشنهاد می‌کنم مجلس برای حفظ اعتبار و اقتدار خود هم که شده وارد موضوع شود و ضمن ابطال مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که دارد به جای مجلس قانون‌گذاری می‌کند، قانون شفاف و مترقی برای حمایت از اهالی فرهنگ و تعیین چارچوب‌های منطقی و علمی تولید و پخش فیلم و سریال در پلتفرم‌های نمایش خانگی تنظیم و تصویب کند تا مسلاک عمل قرار بگیرد و البته ضمانت اجرای آن برای تخطی از مقررات، دادگاه و دستگاه قضائی باشد، نه رقیبی به نام سازمان پرمشکل صداوسیما.

اتفاق خوانی

فراخوان هفتمین دوره جایزه و نشان ابوالحسن نجفی



به منظور پاسداشت یاد ابوالحسن نجفی در عرصه ترجمه و تشویق مترجمان در اعتلای زبان فارسی، مرکز فرهنگی شهر کتاب مراسم هفتمین دوره این جایزه را بهمن سال جاری برگزار می‌کند و از بهترین ترجمه رمان و مجموعه‌داستان کوتاهی که سالال ۱۴۰۱ منتشر شده، با اهدای جایزه و نشان ابوالحسن نجفی تقدیر می‌کند.

هیئت داوران هفتمین دوره جایزه ابوالحسن نجفی با دبیری علی‌اصغر محمدخانی، عبارت‌اند از مهستی بحرینی، ضیا، موحد، حسین معصومی‌همدانی، عبدالله کوثری، موسی اسوار، امید طبیب‌زاده و آبتین گلکار. آبتین گلکار با ترجمه رمان «آشپانه اشراف» اثر ایوان تورگنیف، محمد همتی با ترجمه رمان «مارش رادتسکی» اثر یوزف روت، زینب یونسسی با ترجمه رمان «زلیخا چشم‌هایش را باز می‌کند» اثر گوزل یاخینا، محمدرضا ترک‌تاری با ترجمه «استاد پترزبورگ» نوشته جی.ام کوتسکی، احمد پرهیزی با ترجمه رمان «ه ح ه» نوشته لوان بینه، فرزانه دوستی با ترجمه رمان «بیداری» نوشته کیت شوپین و نرگس قنبدیل‌زاده با ترجمه رمان «دروازه خورشید» نوشته الیاس خوری برگزیدگان شش دوره گذشته این جایزه بودند.

مترجمان و ناشران علاقه‌مند به شرکت در این جایزه می‌توانند دو نسخه از کتاب خود را تا پایان مرداد ۱۴۰۲ به دبیرخانه جایزه به نشانی تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نش کوجه سوم، پلاک ۸، کدپستی ۱۵۱۳۶۴۸۳۱۳، مرکز فرهنگی شهر کتاب ارسال کنند.

داده و بازی را واگذار کرده و با این مصوبه می‌خواهد از طریق ساترا، دست‌وپای رقبای حرفه‌ای‌اش را ببندد اما نمی‌داند که حذف و محدودسازی رقبا به جای رقابت منصفانه مخاطب از دست رفته را باز نمی‌گرداند. بخش بزرگی از مردم رسانه‌ها را برای لذت و سرگرمی می‌خواهند و نیز برای دریافت هرآنچه فکر می‌کنند به نفع آنها و پیشرفت‌شان است. امروز مخاطب ایرانی، مخصوصا نوباوگان، به مدد فناوری به انواع محتوای هنری در دنیا به راحتی آب‌خوردن دسترسی دارد و محدودیتی را برنمی‌تابد؛ حتی به تازگی با مدد هوش مصنوعی امکان تماشای فیلم از پلتفرم‌های بین‌المللی مثل نتفلیکس، با ترجمه آنلاین به هر زبان را یافته است.

تاریخ نشان می‌دهد جریان‌هایی که دنبال کنترل فرهنگ و هنر و محدودسازی بوده‌اند، حاصلی جز تضعیف فرهنگی و آزردن و فراری‌دادن استعدادهای نخبگان هنری کشورشان به دست نیاوردند. اقدام‌های دفعی و حذفی نه‌تنها از حجم تهدیدها نمی‌کاهد بلکه با خود واکنش‌هایی را به همراه می‌آورد که خود تهدیدی بزرگ‌تر است؛ خاصه آنکه توسعه فناوری‌های ارتباطی هر روز امکان کنترل را محدودتر می‌کند.

سازوکار کنترلی ما در بخش فرهنگ و هنر نه متکی بر استدلال‌های معرفتی بلکه تابعی از سلايق شخصی است. همین امر سبب شده تا نظام فرهنگی دستخوش چالش‌های نظری و سلیقه‌ای باشد و از دیگر سو وسیله‌ای برای سوءاستفاده‌های جناحی در عرصه رقابت‌های سیاسی شود. ممیزی و حذف آثار فاخر و سانسورهای سلیقه‌ای ذائقه فرهنگی مردم را تنزل داده و باعث رشد آثار سطحی و مبتذل و در نتیجه ترویج ناخواسته تولیدات

ملی، باعث رشد نگران‌کننده نارضایتی مزمن از شیوه‌های اجرائی حکمرانی شده و روز به روز آنها را از این روند دور و دورتر کرده است. فقر تولید محتوای رسانه‌ای جذاب و متناسب با ویژگی‌های نسل جدید در رسانه ملی، آنها را عموما در چتر رسانه‌هایی با ماهیتی متفاوت - خودکزین، غیرمتمرکز و آرتمیک- به پناه آورده است. پلتفرم‌های وطنی، اگرچه نقاط ضعف بسیاری داشته دارند اما وضع اسف‌بار برنامه‌های صداوسیما، باعث شده همان اندک برنامه‌های جذاب سینمایی خانگی بر مذاق بینندگان، مخصوصا مخاطبان جوان و نوجوان خوش آید و آنها را از تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای، به دیدن این برنامه‌ها سوق دهد. حال با این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که در بی‌عملی نمایندگان مدعی مجلس یازدهم، مبنای برقراری اعمال نظر توسط ساترا قرار می‌گیرد، عملا محتوای جذاب پلتفرم‌های نمایش خانگی به همان درد شبکه‌های کم‌مخاطب صداوسیما گرفتار می‌آید.

کاش شورای عالی انقلاب فرهنگی، مطالعات سیاسی و پژوهش‌های پشتیبان اتخاذ این تصمیم را منتشر کند و به قصاصات افکار عمومی بگذارد. لایذ برای شما هم مصوبه بحث‌برانگیز، این شائبه را تقویت می‌کند که مصوبات شورا ناظر به حل مسئله نیست که اگر بود به جای دامن‌گسترکردن صداوسیما و بر باد دادن مخاطبان شبکه نمایش خانگی درباره مرجعیت خبری و شمار بینندگان سریال‌ها و دیگر برنامه‌های تفضنی رسانه به ظاهر ملی، پرسشگری می‌کرد.

صداوسیما، سازمان فره و ناکارآمدی شده است که در رقابت با محتواهای فراگیر فارسی مخاطب را از دست

